



نجيب داوری

## غرق در گرداب شایعات و افواهِ مغرض، بخش چهارم

توطئه امریکایی

به دنبال سقوط دولت داکتر نجیب الله و ورود مجاهدین به شهر های بزرگ افغانستان از جمله پایتخت- کابل؛ در گیرو دار چور چپاول و فروش تجهیزات منقول موسسات دولتی و بیت المال بعنوان اولجه- فضل احمد دریور معروف به خلیفه فضولی موتر وان نیز در یک معامله نقد و بسیار ارزان با یک مجاهد زورمند، صاحب موتر لاری نوع کراز روسی شد. با آنکه خلیفه فضولو به کمک بالفعل مجاهد مذکور در بدست آوردن اسناد ترافیکی موتر مذکور با کدام مشکل خاص مواجهه نشد، و توانست جواز سیر موتر دزدیده شده دولتی را بنام خودش قباله کند؛ اما در جریان حکومت نه ونیم ساله مجاهدین و طالبان نسبت رکود اقتصادی، خلیفه فضولو از موترش خیری ندید. ولی بعد از ورود قوای نظامی امریکا و ناتو به افغانستان- رشد روز افزون ساخت و ساز ساختمان ها و تدارکات وسایل ساختمانی در نقاط مختلف افغانستان، کار و بار خلیفه فضولو هم بالا گرفت؛ زیرا روزی نبود که خلیفه فضولو چند موتر سنگ به مجتمع های ساختمانی انتقال ندهد. در میان تعداد زیادی از لاری های سنگبر ها یا سنگ کش اعم از امریکایی، جرمنی و جاپانی؛ موتر کراز روسی خلیفه فضولو نظیر نداشت. با آنکه خلیفه فضولو موترش را بیشتر از حد معمول بار میزد، ولی موتر خلیفه کمتر از دیگر لاری ها در پستی ها و بلندی ها نفس گیر یا به اصطلاح جام میماند و بیشتر از هر لاری دیگر پستی ها و بلندی های محلات استحصال سنگ را به آسانی می پیمود.

خلیفه روزها در دامنه های کوه سیاه بینی جاییکه فقط چند صد متر دور تر از آن یک پایگاه کوچک و مؤقت امریکایی تأسیس شده بود؛ موتر اش را بار میزد. خلیفه فضولو که گاهی سنگ کن ها وی را خلیفه ضلو یا خلیفه ضلوی موتر وان نیز صدا میزدند؛ عمری را در کار و بار کلینری و دریوری سپری، اندرین راه تجارب زیادی جهت حفظ جان خود- کلینر و موتر اندوخته و همیشه عادت داشت در پستی ها و بلندی ها هنگام توقف و بار زدن موتر- احتیاط های اضافی را مراعت و علاوه به کشیدن آندبرک، دو دنده پنج را در تایر عقبی و دو دنده پنج دیگر را هم در برابر تایر های جلوی موتر میگذاشت، تا موتر از جا- بیجا نشود.

اتفاقاً روزی خلیفه بارگیری را تمام، موتر را چالان و آماده حرکت بود- به کلینر اش هم هدایت داد تا دنده پنج ها را از برابر تایر های جلو و عقب موتر دور سازد. در همین هنگام یکی از سنگ شکن ها خلیفه را برای کاری فرا خواند- خلیفه از موتر پائین، و مصروف حرف زدن با سنگ شکن شد. در این هنگام که بعداً علت آن معلوم شد؛ موتر کراز خلیفه فضولو از جا، بیجا و با شتاب رو به جلو در حرکت شد. خلیفه فضولو خیلی تلاش کرد تا خودش را به اشتراک موتر رسانده و با فشار دادن برک مانع حرکت موتر شود؛ ولی نشد که نشد. در نتیجه موتر مستقیماً در دریای لوگر سقوط، و در آب غرق شد. آوازه های گرمی بلند شد که سقوط موتر خلیفه فضولی موتر وان به دریای لوگر توطئه امریکایی ها بوده است. زیر موتر کراز روسی - سخت جان، قوی و با دوام خلیفه فضولو خارچشم امریکایی های محل بوده و آن ها نسبت به آن حسادت میورزیدند. ولی خلیفه فضولو خود میدانست که اشتباه اش در امر چالان گذاشتن موتر در سرایشی با گیر نیترال و بدون دنده پنج و مانع، و بعد هم اندک فشار شاگردان شوخ سنگ شکن به موتر، باعث حرکت موتر به جلو و سقوط آن در دریای لوگر شد، موصوف هر چند جهت مصارف ترمیم دوباره موترش بسیار ناراحت و غمگین بود، ولی به خاطر خوش باوری و ساده گی مردم ناشی از تلقین تبلیغات مغرضانه و بی اساس استخبارات منطقه که هر امر ناگوار، حتی بیوقت آذان دادن خروس ها و هنگ زدن بیموقع خر ها را هم به توطئه امریکایی ها نسبت میدهند، گاهی متعجبانه- به تنهایی کنایتاً پسخند میزد و میخندید.

پایان